



## بازیگران

کالیگولا (Caligula) : بیست و پنج تا بیست و نه ساله

کائسونیا (Caesonia) : معشوقه کالیگولا، سی ساله

هلیکون (Hélicon) : ندیم و محرم راز کالیگولا، سی ساله

اسکیپیون (Scipion) : هفده ساله

کرتا (Cherea) : سی ساله

سنکتوس (Senectus) : بزرگ زاده پیر، هفتاد ساله

متلوس (Metellus)  
لیپیدوس (Lepidus)  
اکتاویوس (Octavius)

بزرگ زادگان، چهل تا شصت ساله

پاتریکیوس (Patricius) : پیشکار، پنجاه ساله

مریا (Mereia) : شصت ساله

موکیوس (Mucius) : سی و سه ساله

زن موکیوس

نگهبانان

خدمتکاران

شاعران

## صحنه اول

بزرگ‌زادگان، که یکی از آنها بسیار پیر است، در یکی از  
تالارهای کاخ سلطنتی گرد آمده‌اند و حالات و حرکات  
عصبی از خود بروز می‌دهند.

- بزرگ‌زاده نخست باز هم هیچ خبری نیست.  
بزرگ‌زاده پیر نه صبح خبری هست و نه شب.  
بزرگ‌زاده دوم سه روز گذشته است و هیچ خبری نیست.  
بزرگ‌زاده پیر قاصدها می‌روند، قاصدها برمی‌گردند. سر تکان می‌دهند  
و می‌گویند: «هیچ.»  
بزرگ‌زاده دوم در و دشت رازیر پا گذاشته‌اند، دیگر کاری نمانده است  
که بکنیم.  
بزرگ‌زاده نخست چرا از پیش نگران بشویم؟ صبر کنیم. شاید همان‌طور  
که رفته است برگردد.  
بزرگ‌زاده پیر من دیدم که از کاخ بیرون می‌رفت. نگاه عجیبی داشت.  
بزرگ‌زاده نخست من هم آن‌جا بودم و از او پرسیدم که نگرانش از  
چیست.